

## معرفی و نقد کتاب

### پرسش از هویت

#### معرفی

کتاب «پرسش از هویت»، مجموعه‌ای شامل ۱۱ مقاله با موضوع هویت فردی است که توسط آنتونی الیوت و پل دوگای گردآوری شده است. این کتاب در قالب پژوهش‌های جدیدی توسط انتشارات سیج<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۹ چاپ شده است. همه مقاله‌های کتاب از سوی اندیشمندانی نوشته شده که هویت را با دیدگاه فردی و روان‌شناختی دیده‌اند. در پیشگفتار کتاب چکیده هر مقاله آمده و هدف کتاب را «بررسی تأثیر جهانی‌شدن، پساتجدد، پساساختارگرایی، روان‌تحلیلگری و پسا فمینیسم بر هویت‌های ما در عصر نامنی و ناستواری فزاینده اجتماعی» بر شمرده‌اند. به نوشته گردآورندگان، مقاله‌های کتاب این بحث را طرح می‌کنند که «چگونه دوران معاصر فهم هویتی ما را تغییر می‌دهند». این مباحث با بهره بردن از سنت‌های پایه‌ای نظریه اجتماعی چیره انجام می‌پذیرد و به موضوع‌های هویت، شخصیت و شخصیت‌سازی وارد می‌شود. تمرکز این کتاب بر بحث «هویت پساتجدد»، «هویت به عنوان طرحی شخصیتی»، «مطالعات هویت» و «روان‌تحلیلگری نوین» قرار دارد و تمامی نویسندگان آن از پرآوازه‌ترین کارشناسان هویت هستند.

مقاله یکم با نام «هویت در دنیای جهانی‌شده» نوشته زیگمونت باومن بر تعریف هویت از سوی استوارت هال (۱۹۹۶) تأکید می‌کند و معنایی فردی برای هویت قائل است. در این مقاله، حقوق بشر، «حق اظهار جداگانه هویت‌ها» تعریف شده و بدین طریق میان هویت و حقوق بشر به عنوان موضوع محوری جهانی‌شدن حوزه‌های عمومی، پیوند برقرار کرده است. نویسنده «سیاست زندگی» در فضای جهانی‌شدن را

1. Sage

متأثر از «ساختمندی هویت، مذاکره و باور گفتمان هویت» دانسته، برجستگی‌های<sup>۱</sup> گفتمان هویتی چیره را در این ساختمندی مؤثر می‌داند. از جهت نظری، تأکید او بر دو مفهوم هایدیگری «آماده»<sup>۲</sup> و «دم دست»<sup>۳</sup> و تعریف مدرنیته و هویت مدرن با این دو مفهوم بر همه متن سایه انداخته است. او هویت مدرن را از آغاز روشنگری و در نظریه‌های کسانی چون توکوویل، روسو، کانت، ماکس وبر، اریکسون و سارتر بررسی کرده و نظریه متأخرانی چون دانیل کوهن، گرنوبل، اولریش بک و اریک هابسباوم را نیز بدان افزوده که در همه موارد تعریف هایدگری هویت غالب است. او نگاه اندیشمندان پیش و پس از روشنگری را طرح کرده و نگرش هویتی آنان را استخراج کرده است. در پایان با تأکید بر آرای هایدگر نتیجه گرفته که هویت بحثی زمانی و مکانی است و با توجه به زمان‌ها و مکان‌های گوناگون، از دوران پیشامدرن تا پساتجدد می‌توان تعریف‌های گوناگونی ارائه کرد؛ از این رو، رویارویی‌های هویتی نه برخلاف و نه در راستای روند جهانی شدن هستند. آنها فرزند مشروع و زاده طبیعی جهانی شدن هستند و بیش از آنکه بازدارنده روند جهانی شدن باشند، آن را تسهیل می‌کنند. به‌طور کلی بنا بر نظر نویسنده، هویت یک بحث باز است که با گذر زمان بحث‌های نوینی در آن طرح می‌شود و نگرش‌های جدیدی در آن وارد می‌شود.

مقاله دوم با نام «گم کردن سنت‌ها: فردگرایی و ناپایداری آزادی» نوشته اولریش بک و الیزابت بک - گرنشایم بر این پرسمان تکیه دارد که فردگرایی، شخصی شدن یا فردی شدن به چه معناست؟ طی مقاله نگاه ویژه‌ای به آلمان شده، پرسش‌ها در فضای آلمان تحلیل شده و مصادیق و نمونه‌ها از آلمان آورده شده‌اند. به نظر نویسندگان، همه اجزای تمدن مدرن به فردگرایی یا شخصی شدن رهنمون می‌شوند. «در باب ناممکن بودن زندگی به شیوه مدرن» درباره بیرون آوردن زندگی دنیوی از حالت معمول، تکراری و روزمره سخن گفته شده و اینکه زندگی اجتماعی نیاز به روزمرگی دارد. به نظر نویسندگان، از منظر تاریخ فرهنگی می‌توان گفت که مدرنیته که ادعای قدرتمندی و برتری سوژه بر آن چیره شد، به تعهد خود به برتری سوژه وفادار نمانده است. چنان‌که تجدد بر روند بازی سوار شده، «طبیعت یا نظام اجتماعی» که پیشتر در ساخت تجدد به ترتیب جایگزین یکدیگر شده بودند، اکنون با قدرت تمام جای سوژه را می‌گیرند؛ سوژگان افرادی هستند که «گیج شده، گمراه، بی‌یاور و بی‌هدف رها شده‌اند».

1. Salients

3. Vorhandenheit=Present-at-hand

2. Zuhandenheit=Readiness-to-hand

با برافتادن سامان همکاری قدیم، پرسشی مطرح شده که پیش از این «ناچیز شمرده می‌شد، مورد اتهام قرار می‌گرفت، ریشخند می‌شد، قربانی می‌شد، گناهکار انگاشته و کشته می‌شد»: پرسش از فردیت. اینکه در فرایند فردی شدن چه چیزی تازه است؟ نویسندگان با بررسی نمونه تاریخی ازدواج در جهان مدرن دریافته‌اند که همانند پارسونز باید زندگی مدرن را «مدرنیسم نهادی» بنامیم چراکه نسخه متجدد ازدواج نیز درون نظام فردگرا شکل یافته ولی وضعیت فرد به نهادهایی که در ارتباط با آنها است، بستگی دارد. در این نسخه، ظاهر زندگی مشترک نیز تغییرات زیادی کرده (از جمله ازدواج‌های غیررسمی و استقلال مالی زوجین) که تابع منطق فردی شدن نهادی است. سیمای جامعه فردگرا و آینده آن از سوی بک و بک - گرنشایم با این پرسش بررسی شده که چگونه جوامعی که بسیار فردی شده‌اند می‌توانند انسجام خود را حفظ کنند؟ به باور آنها انسجام از طریق خودابرازی، خودداوری، باز کردن حصار روابط با دیگران، کشف خود و در حقیقت اختراع خود در جامعه امکان‌پذیر است.

در مقاله سوم «بحث نوفرده‌گرایی جهانی: سه نظریه فردگرایی و فراتر از آن»، آنتونی الیوت و چارلز لمرت بیشتر به ژرفای فردگرایی می‌پردازد و آن را به سه دسته «فردگرایی هدایت‌شده»<sup>۱</sup>، «خصوصی شدن ایزوله»<sup>۲</sup>، «فردگرایی بازتابی»<sup>۳</sup> تقسیم کرده، نظریه فردگرایی نوین خود را با عنوان «نظریه اجتماعی محتوامحور» ارائه می‌کنند. به نظر آنها، فردگرایی هدایت‌شده پس از دهه ۱۹۲۰، جهان‌های میرا را برای انسان تعریف کرد. خصوصی شدن ایزوله پس از دهه ۱۹۵۰ بهای احساسی بالایی برای انسان تراشید و به فردگرایی جهانی پس از دهه ۱۹۹۰ انجامید که دوره سوم فردگرایی بود و خطرهای بیشتری برای انسان داشت. این مقاله استثنائاً از نظم استواری برخوردار است و در چهارچوب منظمی پیش می‌رود تا به این نتیجه برسد که جهانی شدن و فردگرایی نوین شعار «متفاوت بیندیش»<sup>۴</sup> را پیش کشید که به معنای خود را از دیگران جدا کردن بود و فرهنگ کوتاه‌کردن‌ها<sup>۵</sup> را رواج داد. این فرهنگ، به‌ویژه با اتکا بر کوتاهی زمان و شتاب زندگی، کوتاه شدن راه رسیدن به اهدافی را طرح کرد که دارای نتیجه مشخص، مبسوط، مرتبط، هدفمند و الهام‌بخش باشند. این مقاله آخرین مبحثی است که به طور مستقیم به فردگرایی پرداخته و در واقع روند بررسی فردگرایی را از مباحث آغازین و نظری شروع کرده و با بحث جهانی شدن به پایان رسانده است. در ادامه بحث هویت

1. Manipulated Individualism  
2. Isolated Privatism

3. Reflexive Individualism  
4. Think Different

5. Short-terming

زنانه، هنری و روان‌شناختی طرح می‌شود ولی در همه مباحث، موضوع هویت فردی به عنوان یک بنیان نظری و مصداقی پذیرفته شده و حتی گذاری به هویت جمعی، گروهی و اجتماعی نشده است.

مقاله چهارم با عنوان «بررسی آهنگ‌های پیداد: زنانه‌نگری (فمینیسم) و پیوندهای متعالی» نوشته دروسیل کزنر می‌کوشد با توجه به آواز، نوا و آوا، پیوند استوار میان فمینیست‌ها را بررسی کند. در این پژوهش نویسنده به عنوان یک فمینیست می‌خواهد چگونگی انسجام و اتحاد میان فمینیست‌ها را بررسی کند. از نظر او این پیوند نیازمند شناخت درون‌گروهی فمینیست‌ها یا شناخت فرد به فرد است. این مقاله با تکیه بر نظریه «آگاهی دوباره»<sup>۱</sup> چاکرابارتی<sup>۲</sup> که از آرای کانت استخراج شده، نوشته شده است. در مقاله بعدی با عنوان «هویت‌های منافع فردی: امکان عملیاتی‌شدن، تاریخ و اخلاقیات» نوشته پل دوگای، نقش منافع فردی در شکل‌گیری هویت، فرایند هویت‌یابی و بازتولید هویت بررسی شده است. نویسنده در آغاز، منافع فردی را در نظریه‌های گوناگون تعریف کرده، سپس نقش فرد را در محتواهای<sup>۳</sup> گوناگون بررسی کرده و طی آن، احساسات و منافع و نقش فرد در جهت‌گیری این دو را مورد مطالعه قرار داده است. در پایان، بحث نقش فرد در منافع فردی طرح شده است. توجه به موارد ضروری که هابس در سیاست تغییر اشکال فرهنگی پیش روی گذارد، منافع فردی، آزادی و امر فردی در دیدگاه‌های هابس، مبانی تئوریک مقاله بعدی است. نتیجه‌ای که نویسنده بدان رسیده این است که هویت فردی مدرن را متکی به برداشت هابس از فرد و منافع فردی می‌داند و با نگاهی هابسی آن را تشریح و تعریف می‌کند. به باور او، هویت مدرن، هابسی و منافع محور است و پرسش‌هایی با هدف بهبود آن طرح می‌کند.

«سازه هویت: سرکوبی اولیه پس از کریستوا و لاپلانش» نوشته آنتونی الیوت، بحث‌های فرویدی هویت را پیش می‌کشد که بر بیان یا سرکوب ناهشیار تکیه دارد. بحث سرکوبی اولیه و از دست دادن چیزها بر پژوهش‌های کریستوا استوار است. سپس درباره پدرپنداری سخن رانده شده و پس از آن، با تکیه بر پژوهش‌های لاپلانش به بررسی پیام‌های غیر قابل خوانشی که مادر به نوزاد منتقل می‌کند — پیام رمزآلود<sup>۴</sup> — می‌پردازد. هر دو نظریه‌پرداز کریستوا و لاپلانش به هویت اولیه و سرکوب با هدف ترسیم ناهشیار و نقش آن در شکل‌گیری این هویت پرداخته‌اند. بازانديشي سرکوب

1. Double Consciousness  
2. D. Chakrabarty, 2000

3. Contexts  
4. Enigmatic

اولیه، ایفای نقش هویت‌یابی و پوشش‌های لباس، بازنمایی خود و دیگران محور مباحث آنان است. اینکه شخصیت چه جلدهایی و چه پوستین‌هایی بر هویت خود می‌پوشد در بحث آنان محوری است.

«هویت‌های افسرده: حرمان (فقدان) فراموش‌ناشدنی، حافظه و شکل‌گیری هویت» عنوان بعدی کتاب است. جفری پراگر مباحث روان‌شناختی هویت را با بحث درباره ضایعه تکان دهنده یا فراموش‌نشده<sup>۱</sup> و حرمان یا فقدان<sup>۲</sup> ادامه می‌دهد. مباحث طرح‌شده از سوی او، در واقع تعریف موضوع، عنوان و واژگان ولی به صورتی بسیط است که در زیر این عناوین بررسی شده‌اند: هویت و حرمان یا فقدان، سوگواری یا افسردگی: دوگانگی حرمان یا فقدان و سلامت. درباره ویژگی‌های فرد افسرده به‌ویژه با تکیه بر نظریه‌های فروید و تأثیر از دست دادن (فقدان) و حرمان (محرومیت) به‌ویژه از نوع ناخودآگاه آن بر سلامت هویت بحث شده است. هویت در اینجا به معنای خود یا شناخت خود چه با ابزار ناخودآگاه و چه آگاهانه تعریف شده است.

در ادامه *استفن فروش و لیزا باراتیسلا* مبحث «خداحافظی از هویت؟» را طرح کرده‌اند. آنها بحث دوباره از باید‌ها و نبایدهای هویت و بایسته یا نبایسته بودن طرح موضوع هویت و رابطه هویت و روان‌شناسی را «موضوعی نابه‌جا» نامیده‌اند. به نظر نویسندگان هویت باید در چهارچوب روان‌تحلیلگری<sup>۳</sup> بحث شود. سپس رابطه خویشاوندی و افسردگی یعنی نقش احساسات سرکوب شده در رابطه‌های خویشاوندی و تأثیر آن بر پدید آمدن زمینه‌های افسردگی را کاویده‌اند. از نظر آنان، تشخیص «دیگری»، تداوم هویت در چهارچوب غیریت یا دودویی و تعریف هویت بر اساس اضداد است که هویت مدرن را معنادار می‌کند. بدین‌سان هویت به چیزی محلی، سیال، بی‌ثبات، احتمالی و جزء‌جزء گفته می‌شود که آنقدر پاره‌پاره و تعاریف آن غیر قابل تعمیم و غیر قابل شناخت است که اصلاً بحث از هویت مورد شک و شاید مردود به نظر می‌رسد. اگر تنوع نظریه‌ها و جریان‌هایی که در علوم انسانی طرح شده‌اند را در نظر آوریم و جریان‌های منتقد یا منکر (مانند ساختارشکنی و پساتجدد) را نیز به آن بیفزاییم، بحث هویت، چالشی‌تر می‌شود ولی با همه اینها هنوز زمان وداع از موضوع هویت فرا نرسیده و اهمیت آن به جای خود باقی است.

مقاله بعدی با عنوان «هویت‌های عاطفی - ذهنی: حکمرانی و کنش اجتماعی» نیز ساختاری روان‌شناختی دارد. *جسیکا ایوانر* نویسنده مقاله، اطلاعات خود را از

1. Trauma

2. Loss

3. Psychoanalysis

موردپژوهی اعتراض‌های سال ۲۰۰۰ جوانان و نوجوانان در پالسگراو<sup>۱</sup> به سیاست‌های دولتی انگلستان به دست آورده است. هویت فردی و روانی شرکت‌کنندگان در این تظاهرات تحلیل شده و به این پرسش‌ها پاسخ داده شده که چگونه روند هویت‌یابی (نو) جوانان که از طریق خود فرد، خانواده و جامعه شکل می‌گیرد او را به سوی اعتراض هدایت می‌کند و سیاست‌های حکومتی چه تأثیری بر این روند دارند؟

مقاله پایانی با عنوان «هنر - روان‌شناسی: بازاندیشی هویت» نوشته جانت سائرز به دنبال روان‌تحلیلگری هنر است تا دو گزارش از شخص، هویت و سوژگی را دریابد. یکی گزارش لاکان از هویت که هویت‌های ما را خطایی می‌داند که ساختارهای پدر سالار بر ما تحمیل کرده است. دوم تحولات روان‌تحلیلگری از دوران فروید تاکنون را بررسی کرده، از جمله گزارش کریستوا<sup>۲</sup> از هنرهای گوناگون تا گزارش متأخر لویی بورژوا<sup>۳</sup> از والایش یا برجسته شدن<sup>۲</sup> سوژه را مد نظر قرار می‌دهد. نویسنده می‌خواهد در فضای روان‌تحلیلگری هنر<sup>۳</sup> هویت‌ها را بازاندیشی کند با این امید که کوششی برای رهایی از دروغ‌های هویتی انجام داده باشد.

### نقد شکلی و روشی

کتاب «پرسش از هویت» فاقد روش واحد، مقدمه و مؤخره است و با اینکه در پیشگفتار کتاب چکیده هر ۱۱ مقاله آمده است، ولی هیچ تلاشی برای ایجاد ارتباط موضوعی و منسجم میان این مقاله‌ها به چشم نمی‌خورد. کتاب از چهارچوب خاصی برخوردار نیست و نویسندگان رویکرد استنتاجی خود از هویت را در هر بخش و به طور مجزا آورده‌اند. گردآورندگان کوشیده‌اند مقاله‌ها را به ترتیبی بچینند که هر بخش به نوعی مکمل مباحث پیشین باشد ولی هر مقاله دارای روش نوشتار خاص خود و مباحث ویژه‌ای است که مورد علاقه و توجه نویسندگان بوده است. بیشتر مقاله‌ها بدون روش و حتی بدون تیتربندی، مقدمه، پرسش و نتیجه نوشته شده‌اند. هیچ‌یک از مقاله‌ها به موضوع هویت جمعی (اجتماعی و گروهی) نپرداخته‌اند.

### نقد محتوایی

نیمه نخست کتاب «پرسش از هویت» به مباحث هویت فردی تعلق دارد و نیمه دوم به مباحث هویت از منظر روان‌شناختی. نگاهی تحلیلی به محتوای کتاب روشن می‌کند که

1. Paulsgrove

2. Sublimation

3. Psy-Art

کتاب از ساختار یکپارچه‌ای برخوردار نیست، مقالات ربط موضوعی معنی‌دار و سلسله‌مراتبی به هم ندارند و چهار عنوان موضوعی بحث‌شده در کتاب یعنی فردگرایی، فمینیسم، هنر و روان‌شناسی که ربط آنها با هویت سنجیده شده در قالب پرسش‌ها و روش تحلیل مشترک مورد بحث قرار نگرفته‌اند بلکه نویسندگان با توجه به دیدگاه‌های خود و بر اساس فضای گفتمانی و پارادایمی که در آن قرار دارند، و غالباً بدون رعایت دستور روشی خاصی به بحث هویت پرداخته‌اند. آنچه در همه بخش‌های کتاب مشترک است تکیه بر هویت فردی و نگاه فردانگارانۀ نویسندگان بر هویت است؛ از این رو در همه مباحث، تعاریف، نظریه‌ها و مصادیق هویت فردگرا منظور نظر بوده و ردپایی از اجتماع به چشم نمی‌خورد. شاید نظر نویسندگان بر اینکه هویت متجدد فردانگار و فردگراست بر کتاب چیره شده ولی این نیز نمی‌تواند جای خالی مردم، جامعه، گروه‌ها، ساختارها (به‌ویژه دولت) را در مباحث هویتی پر کند. هرچند عنوان کتاب، بحث را به هویت فردی تحدید نمی‌کند. در مجموع در همه بخش‌ها کوشیده شده ابعاد گوناگونی از هویت فردی طرح شود و نظریه‌ها، مصادیق و ریشه‌های نظری تعاریف هویتی استخراج شود.

سیده‌مطهره حسینی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی

Email: ma\_hoseyni@yahoo.com

